

علت بود که اقتصاد ملی شدهٔ سربازخانه‌ای میل به خودکفایی ملی داشت و تماس‌های مختلف بین گروه‌های ملی متفاوت را کاهش داد. این وضعیت هم‌چنین به این دلیل بود که این اقتصاد شهروندان را تشویق کرد تا توزیع اقتصادی را در مفهومی بسیار ملموس و بدون سود و زیان ببینند. در عمل بسیاری از کالاها از طریق شبکهٔ پارتی‌بازی و تعهداتی به‌دست می‌آمد که پیوندهای خویشاوندی و قومی در آن به خوبی منعکس بود. در جایی که بی‌طرفی بازار سرمایه‌داری بر بسیاری از قضایا پرده می‌کشد - منجمله بر هزینه‌های اجتماعی و استثمار - جنبه‌های غیر بازاری اقتصاد سربازخانه‌ای کمونیستی طرف‌داری متعصبانه و زیان‌باری را رشد می‌دهد، به طوری که رفع پیش‌پاافتاده‌ترین نیازهای شخصی و وظائف ملال‌آور و مذاکره در جهت توطئه‌چینی غیررسمی علیه دیگر شهروندان را به دنبال دارد. مقامات دولتی که فاقد دیگر منابع قانونیت‌اند و به شکست‌های اقتصادی خود آگاه، به نوبه خود اغلب از ناسیونالیسم و کمون‌گرایی به نفع خود استفاده می‌کنند.

در توضیحی که از بحران کمونیسم به دست دادم تأکیدها بیشتر بر شکست‌ها در سطح اقتصادی بود. این کار را بدین علت نکردم که شکست‌های فاحش در دیگر عرصه‌ها را کم اهمیت می‌دانم. انکار دموکراسی، حقوق فردی و حق مراودهٔ آزاد، همان‌طور که مارتف، کائوتسکی و تروتسکی همگی بر آن تأکید داشتند، خود به طریق پیچیده‌ای با اقتصاد تلاقی پیدا می‌کند. می‌توان افزود که سر به راهی و بی‌اطلاعی که گریبان‌گیر بخش وسیعی از فرهنگ رسمی حکومت‌های کمونیستی بود به فروپاشی آن‌ها کمک کرده است. سکون فرهنگی حکومت‌های کمونیستی فقط ثمرهٔ جانبی انکار دموکراسی از طرف آن‌ها نیست، هر چند در این باره هم ارتباط وجود دارد. کمونیسم در عین حال که توانست، مانند مسیحیت و اسلام در دوران شکوفایی خود، شور و شوق پیامبرگونه برانگیزد، الهام بخش دست‌آوردهای فرهنگی چشم‌گیری نیز بود.

بهترین آثاری که در دوره استالین جایزه گرفتند- آیزن اشتاین، پودوفکین، اهرن برگ، شولوخف- یا آثار هم مسلکان آنها در کشورهای دیگر اشخاصی چون برشت، نرودا، حکمت، مک دیارمید، آراگون، پیکاسو، چاپلین و امثال آن، آثاری دقیقاً استالینی نبودند ولی بی تردید زیاد هم ضد استالین نبودند. این یک مغلطه است که گفته شود خط مشی سیاسی بد همیشه هنر بد تولید می کند. البته تأثیر استالینیسم بر فضای ایجاد شده عموماً غم‌انگیز و ظالمانه بود. با این وجود سیستم متروی مسکو نه تنها تمیز و کارآست بل که خود نمونه مؤثر و بارزی است از استفاده از فضای عمومی که حتی بی‌شرم‌ترین عناصر هنر مبتذل و پرزرق و برق از آن تمجید کردند. مترو بی شباهت به پروژه‌های حیثیتی دیگر مورد استفاده بلافاصله توده جمعیت قرار گرفت و این وضعیتی بود که می‌بایست تحقق آن را آسان‌تر کرده باشد. بهترین آثار دوره بلافاصله بعد از استالین به یقین ضد استالینی بودند، هر چند همان‌طور که لوکاج در مورد سولژنیتسین اشاره کرده است چنین آثاری را می‌شد نوعی رئالیسم انتقادی تفسیر کرد. در دهه هفتاد و هشتاد، رخوت فرهنگی حکومت‌های کمونیستی را در مقابل سرزندگی فرهنگی جهان غیر کمونیست آسیب‌پذیر ساخت. مقامات کمونیستی نتوانستند جمعیت خود را از ثمرات فرهنگی غرب منزوی کنند و در مواردی نیز فعالانه آن را ارتقاء دادند. در آلمان شرقی مقامات جمهوری فدرال آلمان دموکراتیک در واقع تلویزیون غرب را برای بخشی از کشور تقویت و پخش کردند. مثلاً برای درسدن که در گرفتن علائم از جمهوری آلمان مشکل داشت. البته سرزندگی فرهنگ عمومی غرب یا جنوب سرمایه‌داری نیست و پیوسته از انگیزه‌های گوناگونی نشأت می‌گیرد که پاره‌ای آرمانی و پاره‌ای انگیزه مقاومت را در خود دارند. اما همان‌گونه که نظریه‌پردازان "جامعه و مسائل نمایشی و بصری" یا پسامدرنیسم اشاره کرده‌اند، منطق فرهنگی سرمایه‌داری متأخر توانسته است خود را با وسائل ارتباطی الکترونیک هم‌آهنگ کند، کاری که ثابت شد از قدرت

اقتصاد سربازخانه‌ای بعد از استالین خارج است. بدین ترتیب شکست کمونیسم شکست نوعی شکل‌بندی اجتماعی بود که برای ابتکارات مردمی و پلورالیسم یا خودبازشناسی و خودکوشی (خواه جمعی خواه فردی) چه در زندگی اقتصادی، چه سیاسی و چه فرهنگی فضای بسیار محدودی قایل شده بود. این شکست بخشی توسط نیروهای داخلی هم چون 'همبستگی' در لهستان یا 'منشور ۸۸' در چکسلواکی و بخشی با فشار بی‌نهایت عظیم خارجی نوعی سرمایه‌داری تحمیل شد که به شیوه‌های گوناگون با نیروها و منافع مردم سازش کرده بود. روش ماتریالیسم تاریخی و فرهنگی خود به ما توصیه می‌کند علت برتری غرب را در قلمرو اقتصاد سیاسی جستجو کنیم که در مفهوم وسیعی در بالا فهمیده و توضیح داده شد. تفاوت بین بحران‌های کمونیستی سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۰ با بحران‌های متمرکز در قیام ۱۹۵۶ مجارستان یا بهار پراگ در سال ۱۹۶۸ در همین فشار رقابت سیستماتیک 'خارجی' بود. اصل مطلب آن است که مسأله خارجی به مسأله داخلی تبدیل شد، گورباچف هم در سال ۱۹۸۸ در سازمان ملل آگاهانه یا ناآگاهانه مشاهدات سال ۱۹۶۴ چه گوارا را بازتاب داد و گفت: 'جامعه بسته' در جامعه مدرن ممکن نیست.

### سوسیالیسم و نیروهای اجتماعی

در این جا بحران سوسیالیسم و مارکسیسم به مثابه بحران به جا مانده در سطح برنامه بررسی شده است. این برنامه‌ها کاملاً هم بی‌فایده نبوده‌اند و پاره‌ای برحسب اتفاق با پشتیبانی مردمی حتی تا به امروز در دنیای سرمایه‌داری دوام آورده‌اند. اما بحران سوسیالیسم در ضعف نیروهای اجتماعی که می‌توانستند از این برنامه‌ها پشتیبانی کنند نیز منعکس شده است. احزاب چپ سنتی با از دست دادن نیرو در ترکیب‌های انتخاباتی و در سطحی وسیع‌تر به خاطر کم

شدن فعالیت، شورو شوق و پایگاه اجتماعی خود تضعیف شدند. جنبش‌های بخش ملی سبک قدیم نیز تقریباً از بین رفته است.

اما از دیگر سو آن‌چه می‌توان جنبش‌های پرولتری یا چپ جدید نام نهاد وجود دارد. در جنوب حزب کار (PT) برزیل و ای.ان.سی یا UDF آفریقای جنوبی یا اپوزیسیون کره جنوبی از این نوعند و همگی رابطه‌ای قوی با اتحادیه‌های کارگری جدید دارند، بدون این که با مدل‌های کارگری قدیم خوانایی داشته باشند. در اروپا تجدید برنامه همه‌جانبه در احزاب چپ به شکل‌گیری‌های جدید نسبتاً نیرومندی در فنلاند، نروژ، دانمارک، اسپانیا، ترکیه و هلند منتهی شده است در عین حال سبزه‌ها و ایده‌های فمینیستی نیز نفوذ پر دامنه‌ای دارند. در حکومت‌های پسا کمونیستی اولین ناآرامی‌های مقاومت اجتماعی در مقابل تحمیل بازار "غیر اجتماعی" و نوعی خصوصی کردن که به نفع دارودسته حکومتی پیشین و مافیا است شکل گرفته است. (۹۲) در پاره‌ای موارد بقایای اعضای احزاب قدیم و اتحادیه‌ها سعی می‌کنند برای خود به مثابه مدافعین منافع تولیدکنندگان حیثیت و زمینه ایجاد کنند و یک دهم و گاه بیشتر آراء مردم را به خود اختصاص داده‌اند و مخالفان پیشین که هم اکنون ترجمان امیدهای خود را در ویژگی‌های اجتماعاً غیردموکراتیک و ارتجاعی نظم جدید یافته‌اند، در صحنه سیاسی ظاهر می‌شوند.

این نیروهای اجتماعی جدید هم اکنون برنامه‌های تاریخی چپ را دگرگون کرده‌اند. تقریباً هیچ‌یک از آن‌ها در غم اقتصاد سربازخانه‌ای نمی‌سوزند. در عین حال که عناصر گوناگونی وجود دارد که می‌توانند به شکل‌گیری یک بدیل کمک کنند - مفاهیم جدید در مورد اتحادیه‌های کارگری، خود مدیریتی، بنگاه‌های صنعتی کمونی و اشتراکی، بر افق از پیش تعیین‌شده و درآمد پایه، سوسیالیسم بازار و بازار سوسیالیزه شده و مسئولیتی که برابری طلبانه است و محیط زیست را در نظر دارد - احتمال آن می‌رود که این بدیل هنوز شامل

مجموعه کامل و همه جانبه‌ای نباشد که جایگزین منطق سرمایه‌داری شود. با همه این احوال، در این مجموعه مدل‌ها، اقدامات و جنبش‌های مختلفی دیده می‌شود که امیدبخش شکل‌گیری برنامه‌های مؤثرند. در این بدیل، ارتباط روشنی با ارزش‌های چپ سنتی دیده می‌شود، در عین این که در این جا مسائلی مطرح می‌شوند که به ندرت برای جنبش‌های سنتی شناخته شده‌اند. کائوتسکی با همه فضائش، بی‌تردید یکی از مارکسیست‌های سنتی خونسرد و دارای تخیل نه چندان قوی بود که تردیدی به خود راه نداد که اعلام کند: "چنین سوسیالیسمی هدف ما نیست. سوسیالیسم ما هدفش نابودی هر نوع استثمار یا سرکوب است خواه علیه یک حزب باشد خواه علیه جنس یا نژاد." (۹۳) این اظهار نظر که معتبر هم هست پاسخ‌گوی بحران محیط زیست امروزی که مدل جدیدی از مصرف و تولید را می‌طلبد، نیست. آینده فقط به "سوسیالیسم بدون ضمانت" یا حتی به ایده جدیدی تعلق دارد که به گونه مناسب‌تر، اهداف چپ و انگیزه خلاقه جنبش‌های ضد سرمایه‌داری را تجسم کند. در این رابطه تأمل ریموند ویلیامز بر سرمایه‌داری صنعتی به قوت کامل خود باقی است: "به جای این سرمایه‌داری ما چیزی فراتر از فروپاشی هرج و مرج گونه یا نظم تحمیلی یا نام صرف یک بدیل را می‌خواهیم. بنابراین چالش عبارت است از چالش با پیچیدگی‌ای که ضروری است. همه زندگی را بین سادگی و پیچیدگی در کشاکش بوده‌ام و هنوز هم این کشاکش را حس می‌کنم. اما هر بحثی که مربوط به تجربه و تاریخ باشد، تصمیم‌ام - و آنچه امیدوارم تصمیم‌گیری عمومی باشد - را توضیح می‌دهد. فقط از راه‌های بسیار پیچیده و حرکت کردن با اطمینان به سوی جوامع پیچیده است که می‌توانیم امپریالیسم و سرمایه‌داری را شکست دهیم و ساختمان سوسیالیسم در اشکال گوناگون را آغاز کنیم سوسیالیسمی که انرژی واقعی مورد تهدید کنونی ما را آزاد خواهند کرد و از آن بهره خواهند جست." (۹۴)

## منابع:

- ۱- "هرج و مرج نقشه‌مند" اثر لودویک فن میزس، صفحه ۱۲۴. نیویورک نشر ایروینگ آن هودسن (Irwing-on-Hudson).
- ۲- "بلشویسم در بن بست"، اثر کارل کائوتسکی. لندن سال ۱۹۳۱ ص ۱۷ و ۱۸ (ترجمه اصلاح شده).
- ۳- "دیکتاتوری پرولتاریا" نوشته کارل کائوتسکی سال ۱۹۶۴ ص ۲۰. پاسخ کائوتسکی به انقلاب توسط ماسیمو سالوادوی (Massimo Salvadori) در کتاب کارل کائوتسکی و انقلاب سوسیالیستی سال ۱۹۳۸-۱۸۸۰، لندن سال ۱۹۷۹ ص ۲۲۵، ۲۵۱ و ۲۹۳ مفصل توضیح داده شده است.
- ۴- نوشته دیوید فورگس تحت عنوان "مطالعه گرامشی" لندن سال ۱۹۸۸ صفحات ۶ تا ۳۳. گرامشی بی‌شبهت به دیگر مشتاقان انقلاب، از همان آغاز آگاه بود که شرایط روسیه، انقلاب به معنی شرکت در فلاکت و نیازمندی خواهد بود. نگاه کنید به کتاب «گرامشی: زندگی یک انقلابی» اثر جی. فیوری G. Fiore صفحات ۱۱ و ۱۳ سال ۱۹۹۰.
- ۵- این جنبه از اندیشه مارکس در مقاله من تحت عنوان «تئوری انقلاب پرولتری» در مجله چپ جدید ماه می و ژوئن سال ۱۹۷۶ تأکید و حتی بیش از حد تأکید شده اما یقیناً اختراع نشده بود.
- ۶- «سرمایه» اثر کارل مارکس جلد اول سال ۱۹۹۱ لندن صفحات ۱۷۱ و ۱۷۲. این اشاره همراه با مزاح است و در متن کتاب به‌طور کلی نسبت دادن استدلال نادرست مشابهی به مارکس مبتنی بر این که اقتصاد جهانی را می‌توان از طریق یک برنامه‌ریز که دانای کل است اداره کرد را تأکید نمی‌کند. دقیقاً این کتاب «سرمایه» بود که آلتوسر (Altusser) را تشویق کرد این ایده را رد کند که مناسبات اجتماعی می‌تواند یک «کل بیان‌گر» باشد که انسجام و سادگی یک ایده را داشته باشد و آنچه مارکس

مفهوم وجه تولید به مثابه «کل پیچیده از پیش موجود» می‌نامید را ترجیح دهد، یعنی مقوله‌ای که هرگز نمی‌تواند با شکل‌گیری آگاهی تحت فرمان درآید. به کتاب «قرائت سرمایه» نوشته لوئی آلتوسر و اتیین بالیبار لندن سال ۱۹۷۰ صفحات ۹۷، ۱۸۰ و ۱۸۴ مراجعه کنید.

۷- «آنتی دورینگ» اثر فردریک انگلس. مسکو سال ۱۹۷۸. این اثر هر چند تحت‌الشعاع تفحص بررسی دیالکتیک قرار گرفته، در نبود بدیلی بهتر، مفصل‌ترین بحثی است که در آثار مارکس و انگلس پیرامون نظم اجتماعی-اقتصادی‌ای که می‌تواند جایگزین سرمایه‌داری شود وجود دارد. (مخصوصاً به صفحات ۳۴۳ و ۳۷۹ مراجعه کنید). کاستی‌های این اثر انگلس هر چه باشد، او هم‌واره هم بر محدودیت‌های عینی، شرایط اقتصادی و هم به اهمیت رشد و توسعه دموکراتیک تأکید می‌ورزید. البته او با یکی از بجاماندنی‌ترین و پیامبرگونه‌ترین اظهارنظرهای مربوط به موضوع پیشینی که پایه‌گذاران ماتریالیسم تاریخی انتشار دادند، سرو کار داشت. انگلس در حالی که به موقعیت مونسر (Munzer)، رهبر جنگ دهقانی آغاز قرن شانزدهم، اشاره می‌کند، این طور می‌نویسد: «نه تنها جنبش زمان او بل که قرن هم برای تحقق ایده‌هایی که او خود تازه می‌خواست بشناسد، هیچ‌کدام آمادگی نداشتند. طبقه‌ای که او نمایندگی می‌کرد نه تنها به اندازه کافی رشد نکرده بود و نمی‌توانست کل جامعه را به فرمان خود درآورد و آن را دگرگون سازد، بل که تازه داشت شکل می‌گرفت. تحول اجتماعی که او در خیال خود تصویر کرده بود، در شرایط اقتصادی موجود آن زمان آنقدر زمینه‌ناچیزی داشت که این شرایط فقط تدارکی بود برای نظامی اجتماعی که با تصویر رؤیایی او در تضاد کامل قرار داشت. «جنگ دهقانی در آلمان» اثر فردریک انگلس. «انقلابات آلمان» اثر لئونارد کریگر (Leonard Krieger) شیکاگو سال ۱۹۶۷ ص ۱۰۵. بلشویک‌ها با این بخش از اثر و نتیجه‌گیری‌ای که از آن می‌شود مبنی بر این که علی‌رغم همه این بحث‌ها مونسر در آنچه انجام داد حق داشت، خوب آشنائید. نکته مهم از موضع منشویکی، این بود که رویاهای مونسر هر چه بود، کار درستی کرده بود که مبارزه‌ای دست زده بود که از «چارچوب جمهوری بورژوازی» اولیه نمی‌توانست فراتر رود. انگلس به صحنه گذاشتن بر مبارزه مونسر مطمئناً پرش مستقیم به کمونیسم بدون

در نظر گرفتن شرایط را توصیه نمی‌کرد. او با دوستش پلخانف موافق بود که چنین کوششی در کشوری منزوی و عقب افتاده تنها می‌توانست به «استبداد پدرسالارانه» نوعی که اینکاها اعمال می‌کردند، منتهی شود». نقل از میثائیل المن از کتاب «برنامه‌ریزی سوسیالیستی» کمبریج سال ۱۹۹۰ ص ۳۵۰.

۸- نگاه کنید به مقاله «مارکس، بیسمارک، سوسیالیسم» از کتاب «الگوهای هرج و مرج» انتشارات ال. ای. کریمرمن وال پری. نیویورک سال ۱۹۶۶ ص ۸۶

۹- نگاه کنید به مقاله «مارکسیسم و هرج و مرج طلبی» در کتاب «به پشتیبانی از هرج و مرج: تاریخ، تئوری و عمل» لندن سال ۱۹۸۹ صفحه ۱۰۹ از انتشارات دیوید گودوی.

۱۰- مراجعه کنید به «مقدمه» روبرت گراهام (Robert Graham) و کتاب پردون تحت عنوان «نظر عام مربوط به انقلاب در قرن نوزدهم» لندن سال ۱۹۸۹.

۱۱- کتاب نقد برنامه گوتا قبلاً این ایده که طبقات غیر پرولتری صرفاً «یک توده ارتجاعی» است را رد کرده بود. در مورد نظر مارکس نسبت به دهقانان مخصوصاً به کتاب تئودور شانین (Theodor Shanin) تحت عنوان «مارکس متأخر و راه روسی» (لندن سال ۱۹۸۳) و کتاب «کمونیسم و توسعه» نوشته روبرت بیدلو (Robert Bideleu) نیویورک سال ۱۹۸۵ مراجعه کنید.

۱۲- کتاب «تئوری انقلاب کارل مارکس» جلد پنجم و «نقد سوسیالیسم‌های دیگر» صفحات ۱۲۶ تا ۱۲۹، نیویورک سال ۱۹۹۰. هر کس به وسوسه تقدیس پرودن و باکونین بیفتد به توضیح آگاهی‌بخش این نویسنده با وجود طرفدارانه بودن بیش از حد آن، او را از توهم بدر خواهد آورد. در عین حال مارکس و انگلس نیز خود اشتباه می‌کردند همان‌گونه که دریپر (Draper) نشان می‌دهد ایده‌های آنها با رودرویی با چنین مخالفان و هم‌کارانی چون پرودن و باکونین رشد یافت.

۱۳- «درباره سوسیالیسم» اثر جان استورات میل (John Stuart Mill) صفحات ۱۳۴ و ۱۳۵، انتشارات بوفالو (Buffalo) نیویورک سال ۱۹۷۶.



۱۴- به مقاله « مارکس وبر و سوسیال دموکراسی » از کتاب سوسیالیسم و روشن فکران نوشته ولفگانگ مومن صفحات ۹۰ و ۱۰۵ چاپ لندن سال ۱۹۸۷ مراجعه کنید. مومن نظر وبر را در این زمان در فرمول زیر خلاصه کرد: « در عین حال که سوسیالیسم‌های گوناگونی می‌توانند وجود داشته باشند، تنها سوسیالیسمی که عملی و با تمدن جدید خوانایی دارد، به‌ناچار می‌بایست یک‌نوع « اقتصاد با برنامه باشد که از مرکز اداره شود. » (ص ۹۲). برای مطالعه نظرات دور که‌هایم به مقاله استفان یو تحت عنوان: « یادداشت‌هایی بر سر سوسیالیسم » از کتاب « سوسیالیسم و روشن فکران » منتشره در لوی صفحات ۲۱۹ و ۷۰ مراجعه کنید. در مورد این نظر که تضادهای اجتماعی و نوسانات اقتصادی می‌بایستی از بالا و توسط مجمع ملی شرکت‌های حرفه‌ای تحت کنترل درآید به کتاب « سوسیالیسم » نوشته امیل دور که‌هایم صفحات ۲۴۵ تا ۲۴۷ چاپ نیویورک سال ۱۹۶۲ مراجعه کنید. محاسبات معروف پارتو درباره تساوی حقوق اجتماعی نیز با سروکار داشتن با سوسیالیسم، فعال شد. توجه داشته باشید که پارتو سوسیالیسم را نیروی اساساً احساساتی و غیرمعقولی می‌دید که احتیاج به دستور و انضباط داشت.

۱۵- البته این امکان وجود داشت که از تئوری ارزش نیروی کار بدون زیر سؤال بردن سرمایه‌داری حمایت کرد، همان‌گونه که ریکاردو چنین کرد. همین‌طور هم این امکان وجود دارد که آدم سوسیالیست و در عین حال تئوری کار را رد کند، همان‌طور که آلفرد مارشال چنین کرد. بوم باورک مخصوصاً نقد خود از مارکس را از ارزیابی سوسیالیسم جدا کرد. مراجعه کنید به « کارل مارکس و پایان یک سیستم » اثر اوژن بوم باورک صفحات ۱۱۷ و ۱۱۸ و به ویراستاری پی. ام. سوئیزی نیویورک سال ۱۹۴۸.

۱۶- مقاله کائوتسکی: « روز بعد از انقلاب » از کتاب « انقلاب سوسیالیستی » صفحات ۱۰۳ و ۸۹ سال ۱۹۰۷، شیکاگو. بخش‌هایی که نقل شده از صفحات ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳ است. هم‌چنین به مدخلی بر کائوتسکی توسط تی. کووالیک از انتشارات جان ایتول در کتاب « فرهنگ جدید اقتصادیات مارکسیستی پالگریو » صفحات ۲۱۸ و ۲۲۱ چاپ لندن سال ۱۹۹۰ مراجعه کنید.

۱۷- در مورد مقاله بازون که در سال ۱۹۱۸ نوشته شده به نسخه اف. ای. فن‌هایک تحت عنوان «برنامه‌ریزی اقتصادی جمعی» صفحات ۲۴۵ و ۲۹۰ لندن سال ۱۹۳۵ مراجعه کنید. مقاله پی‌یرسن نیز در این مجموعه آمده است.

۱۸- نگاه کنید به «اقتصادیات اجتماعی» اثر فردریش فن ویزر (۱۹۱۴) صفحات ۳۹۶ و ۳۹۷ سال ۱۹۲۷.

۱۹- نقل از کتاب «ویلیام موریس» اثر ادوارد تومسن ص ۵۷۵، لندن سال ۱۹۲۷. هم‌چنین به صفحات ۵۴۲ و ۶۹۳ آن مراجعه کنید. سخن‌رانی‌ها و مقالات موریس پیرامون سوسیالیسم همراه بود با کوبنده‌ترین اعلام جرم‌ها علیه تنزل انسان و محیط زیست که مسبب آن «جنگ تجاری» بود و ضمناً گاه و بی‌گاه به تز «ساده‌نگری» نیز بر می‌گشت. اما این نقد با تحسین از نظریه مارکس مبنی بر «تکامل» ضروری اجتماعی، رد «ریاضت‌کشی» و تصدیق سریع آن نظرش که طرف‌دارانه بود، تعدیل می‌شد. او در مقاله «چگونه زندگی می‌کنیم و می‌توانیم بکنیم» درباره نیاز به «تنظیم بازار» صحبت می‌کند و در عین حال «جامعه‌آتی» را با این ادعا که «انحصار می‌بایستی پایان پذیرد» می‌گشاید. مراجعه کنید به کتاب «نوشته‌های سیاسی ویلیام موریس» تدوین‌کننده: ای. ال. مورتن صفحات ۱۴۵ و ۱۹۸ لندن.

۲۰- چیلوسی مفاهیم پیچیده شکل ویژه «حق کار» که در کتاب «سرزمین آزاد» هرтчگا در فصل «حق اصل کار و سوسیالیسم بازار مبتنی بر خودگردانی» طرح‌ریزی شده است را بسط و گسترش می‌دهد، فلورانس، سال ۱۹۸۶.

در زمان هرтчگا مستعمره آفریقایی به یک قدرت صنعتی اصلی در قلب این قاره تبدیل می‌شود، پادشاهی جنگ‌طلب اتیوپی را شکست می‌دهد و کوشش می‌کند انقلاب خونین را علیه تزار الهام بخشد. کتاب «سرزمین آزاد، یک انتظار اجتماعی» مخصوصاً صفحات ۹۶ و ۹۷ برای «اساسنامه مدل» و صفحه ۱۳۱ برای مسائل مربوط به بومیان: «تشکیلات نظامی آن‌ها می‌بایستی متلاشی می‌شد، ابدی بود نشان از میان

می‌رفت و پیش‌داوری آن‌ها علیه کار نابود می‌شد». هر تچگا خود اقتصاددان نسبتاً برجسته‌ای بود و به پایه‌ریزی انجمن اقتصاددانان ملی کمک کرد.

۲۱- به نقل از کتاب «کارل کائوتسکی» اثر سالوادوری صفحه ۲۳۲.

۲۲- «مسائل تشکیلاتی سوسیال دموکراسی روسیه» نوشته روزا لوگزامبورگ (۱۹۰۴): نیویورک «وظائف سیاسی ما» اثر لئون تولستوی. سال ۱۹۰۴ (نسخه فرانسوی، چاپ پاریس سال ۱۹۷۰).

۲۳- در این زمینه به کتاب‌های «سیاست و دیپلماسی صلح‌طلبی» پرینستن سال ۱۹۷۰ و «چرا آسمان تاریک نشد» صفحات ۸ و ۴. لندن سال ۱۹۹۰ اثر آرنومایر مراجعه کنید.

۲۴- متن اصلی مربوط به معرفی «کمونیسم جنگی» احتمالاً در مقاله «گزارش مربوط به مبارزه با قحطی» است که در نسخه مقنن دزای چاپ لندن سال ۱۹۸۹ موجود است. هم‌چنین به «نوشته‌های اقتصادی لنین» صفحات ۲۶۸ و ۲۸۶ مراجعه کنید. در مورد نفوذ مدل اقتصاد جنگی آلمان بر اندیشه لنین به مقدمه ناشر در همین کتاب صفحه ۲۷ و همین‌طور به مقاله مقنن دزای تحت عنوان «گذار از سرمایه‌داری واقعاً موجود» که در مجله نیولفت ریویو در ماه‌های ژوئیه و اوت سال ۱۹۸۸ آمده (صفحات ۶۱ و ۷۸) مراجعه کنید.

۲۵- «آخرین مبارزه لنین» نوشته موشه لوین، لندن سال ۱۹۷۰. استالین نوشته ایزاک دویچر، هارموند سیورت، سال ۱۹۶۶ صفحات ۲۳۸ و ۲۷۰.

۲۶- «چگونه رقابت را سازمان دهیم» منتخب آثار لنین - جلد دوم.

۲۷- «پیش از استالینیسیم» نوشته ساموئل فاربر. کمبریج سال ۱۹۹۰. فاربر روی کمونیسم جنگی در صفحات ۴۳ و ۵۰ بحث می‌کند و در تمام طول بحث خود به صداهای اعتراضی درون اردوی انقلاب که در برابر مشی و عمل‌کرد بلشویکی اعتراض می‌کردند اشاره می‌کند. برای مدارک بیشتر به «منشویک‌ها پس از اکتبر» اثر ولادیمیر بروکین لندن سال ۱۹۹۰ مراجعه کنید. فاربر ملاحظه می‌کند که تارومار کردن

مجلس مؤسسان را می‌توان «ولی سرکوب دموکراسی شورایی که به دنبال آن در بهار و تابستان ۱۹۱۸ شروع شد را نمی‌توان توجیه کرد. بدین ترتیب کمیته اجرایی مرکزی شوراها که ظاهراً مظهر نهاد سراسری کشور بود، در سال ۱۹۱۸ به سختی تشکیل شد و در سال ۱۹۱۹ اصلاً فراخوانده نشد (ص ۲۹). البته نوع انتقاد فاربر جدید نیست ولی همه‌جانبه و منظم است. مثلاً به آخرین فصل کتاب ایزاک دویچر، شکست در پیروزی از کتاب «پیامبر مسلح» آکسفورد سال ۱۹۵۴ مراجعه کنید. اما دویچر هم‌چون ویکتور سرژ در کتابش تحت عنوان «خاطرات» به فشارهای ناشی از جنگ بیش‌تر امتیاز می‌دهد. (آکسفورد سال ۱۹۶۲).

۲۸- «تئوری و عمل بلشویسم» اثر برتراند راسل (۱۹۲۰) لندن سال ۱۹۴۸، مخصوصاً به صفحات ۴۷، ۵۵، ۱۱۴، ۱۲۳ مراجعه کنید.

۲۹- نظرات کائوتسکی پیرامون اجتماعی کردن در سال ۱۹۱۸ در کتاب «کارل کائوتسکی» اثر سالوادوری صفحات ۲۳۳ و ۲۳۴ بحث شده است. در مورد مارتف به «روشن‌فکران و انقلاب: نظر روسیه پیرامون بلشویسم از ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۳» اثر جین بوربانک آکسفورد سال ۱۹۸۶ صفحات ۱۶ و ۳۵ مخصوصاً به صفحات ۱۹، ۳۲ و ۳۴ مراجعه کنید. هم‌چنین به «دولت و انقلاب سوسیالیستی» اثر جولیوس مارتف نیویورک، سال ۱۹۳۸ و کتاب «بلشویسم جهانی» چاپ پاریس سال ۱۹۴۴ مراجعه کنید. توجه داشته باشید که مارتف به عنوان یک مارکسیست پرچم‌دار تقویت نهادهای دموکراتیک جامعه مدنی و ایجاد دولت مقتدر دموکراتیک بود. او به جای قرار دادن دولت در مقابل جامعه مدنی استدلال می‌کرد که اگر دولت دموکراتیک باشد خود ضامنی است برای جامعه مدنی. در حقیقت او به بلشویک‌ها به خاطر نوعی آنارشیزم لومپنی که داشتند حمله کرد زیرا نمی‌توانستند اهمیت بوجود آوردن جامعه مدنی قانونی و دموکراتیک که مبتنی بر دولت مقتدر باشد را درک کنند. مارتف در سال ۱۹۲۳ مُرد.

۳۰- «یادداشت‌های اقتصادی لنین» نوشته مقنن دزای صفحات ۳۰۱ و ۳۴۴.

۳۱- مشخصه‌های تأثیر شوروی بر تاریخ میانه قرن بیستم را اریک هاوبسبام در مقاله «خداحافظ همه آن‌ها» در کتاب «مارکسیسم امروز» مورد بررسی قرار داده است.

۳۲- مارتین مالیا ملاحظه زیر را عنوان می‌کند که «واژه تمامیت‌خواه که موسولینی باباری مثبت ابداع کرد تا نظم جدید خود را مشخص کند و اولین بار با بار منفی توسط تروتسکی در رابطه با روسیه استالین از آن استفاده شد، توسط هانا آرنهت به منظور ایجاد یک تئوری تجدد افراطی به کار برده شد.» «آرامگاه استالین» از کتاب «الوس» ص ۳۰۰، زمستان سال ۱۹۹۰. البته تروتسکی استفاده از این مفهوم توسط هواخواه پیشین خود را تصدیق نمی‌کرد. از نظر او تمامیت خواهی پروژه‌ای گمراه کننده و خطرناک بود. در سال ۱۹۴۰ تروتسکی نوشت «یک رژیم تمامیت‌خواه چه از نوع استالینی چه فاشیستی به طور ماهوی می‌تواند رژیمی موقت و گذرا باشد. دیکتاتوری عریان در تاریخ معمولاً ثمره و نماد یک بحران بسیار حاد اجتماعی است و نه به هیچ وجه ثمره یک رژیم پایدار. بحران حاد نمی‌تواند وضعیت دائمی یک رژیم باشد. یک دولت تمامیت‌خواه می‌تواند تضادهای اجتماعی را برای مدت معینی سرکوب کند ولی بقای خود را نمی‌تواند دائمی سازد.» «در دفاع از مارکسیسم» اثر لئون تروتسکی، نیویورک، سال ۱۹۴۰ ص ۱۳.

۳۳- دست‌مایه‌های نظری کائوتسکی در کتاب «دیکتاتوری پرولتاریا» که برای اولین بار در سال ۱۹۱۸ چاپ شد، موجوداند. این دست‌مایه‌ها در کتاب «بلشویسم در بن‌بست» که در سال ۱۹۳۰ منتشر شد بسط داده می‌شوند و با مقدمه جدید در سال ۱۹۳۱ دوباره چاپ می‌شود. کائوتسکی نوشت: «رهبران شوروی خود را بسیار با هوش و مقصد می‌دانند اگر راه‌هایی پیدا کنند که با استفاده از روش‌هایی که ظرفیت، ذکاوت و استقلال کارگران صنعتی موجود را به حداقل برسانند، تعداد ماشین‌هایی که در اختیارشان است را سه برابر کنند. آن‌ها نتوانسته‌اند پی ببرند که مسأله حیاتی عبارت است از افزایش کیفیت کار و این که با بالا رفتن کیفیت کار خود به خود باید ارزش مازاد حاصل شود و چنین شیوه‌ای در عین حال ظرفیت ابزار تولید جدید و بهبود یافته را بالا می‌برد. بلشویک‌ها از این کار سودی نمی‌برند زیرا برای این شیوه افزایش

ظرفیت تولیدی کارگران، پیش شرطش درجه بالایی از آزادی است و این خود به دموکراسی همه جانبه نیاز دارد». از کتاب «بلشویسم در بن بست» صفحات ۱۴ و ۱۵. هم چنین به کتاب «کارل کائوتسکی» اثر سالوادوری به خصوص صفحات ۳۰۱ و ۳۰۲ مراجعه کنید. کائوتسکی هم تیلوریسم شوروی و هم نقش بلشویک های اصلی در ایستادگی در برابر آن را می دانست.

۳۴- «تکنولوژی غرب و توسعه شوروی» نوشته ای.سی.ستن جلد دوم استمفورد سال ۱۹۷۱.

۳۵- برای توضیح ناآرامی گسترده در اردوها به نوشته «مجمع الجزایر گولاک» اثر الکساندر سولژنتسین جلد سوم صفحات ۸۶ تا ۲۲۹ مراجعه کنید (لندن ۱۹۷۸).

۳۶- مقالاتی که این پیش نهاد را ترسیم کرده اند در «نوشته های سال ۱۹۳۰» اثر لئو تروتسکی صفحات ۱۲۳ و ۱۴۷ آمده است.

۳۷- «برنامه پنج ساله در بحران» در «بولتن اپوزیسیون» شماره ۲۵ و ۲۶ سال ۱۹۳۱، این مقاله در ترجمه انگلیسی مجله «انتقاد شماره ۱۳ سال ۱۹۳۱» منتشر شد.

۳۸- مقاله «اقتصاد شوروی در خطر است» نوشته لئون تروتسکی از «بولتن اپوزیسیون» شماره ۳۶ نوامبر سال ۱۹۳۲ موجود به زبان انگلیسی در «نوشته های لئون تروتسکی سال ۱۹۳۲» نیویورک سال ۱۹۷۳ صفحات ۲۵۸ تا ۲۸۴. بند نقل شده در صفحات ۲۷۳ و ۲۷۴ است. در مورد بحث جالبی پیرامون این متن به «سوسیالیسم، اقتصاد و توسعه» اثر الک نوو صفحات ۹۷ و ۹۸ لندن سال ۱۹۸۷ مراجعه شود.

۳۹- «نوشته های سال ۱۹۳۲» اثر تروتسکی صفحات ۲۷۳ و ۲۷۶.

۴۰- «پیامبر مسلح» اثر ایزاک دویچر صفحات ۴۹۶ و ۴۹۷، دویچر توضیح روشنی از یک حادثه زنده که به بازاندیشی تروتسکی کمک رساند، به دست می دهد. قطار نظامی که تروتسکی در آن مشغول طرح رهنمود جدید و بلیغی جهت مجهز کردن کارگران است در اثر ورود به بوران برف از جا کنده می شود و علی رغم کنترل احتمالی مسیر قطار و نزدیک بودن محل حادثه به دهکده های، دو روز از حرکت باز

می‌ایستد و رئیس کمیته نظامی شوروی و حزب او دو روز وقت پیدا کردند تا نقایص برنامه‌ریزی و انگیزه‌های عمومی را دقیقاً بررسی کنند.

۴۱- نقل شده از «سوسیالیسم، اقتصاد و توسعه» اثر الک نوو ص ۸۹ در این اثر بحث مفیدی پیرامون نظرات تروتسکی درباره این مسائل وجود دارد.

۴۲- نقل از «سوسیالیسم، اقتصاد و توسعه» اثر الک نوو ص ۹۸.

۴۳- «خاطرات» آندره ساخارف ص ۱۶۴ سال ۱۹۹۰.

۴۴- آخرین نوشته‌های استالین درباره عمل کرد مداوم قانون ارزش در اقتصاد سوسیالیستی را باید به مثابه به رسمیت شناختن غیر رسمی و فرعی این که برنامه‌ریزی نمی‌تواند مسائل اقتصادی شوروی را حل کند خوانده شود. استالین با علاقه‌ای که به بحث ساختگی داشت، اعلام کرد که یکی از دلایل این مسأله این است که مزارع اشتراکی بی‌شبهت به دارایی دولتی (سوخوزها) شکل‌هایی از دارایی مستقل‌اند. «مسائل اقتصادی سوسیالیسم در اتحاد شوروی» اثر استالین مسکو سال ۱۹۵۲.

۴۵- مقاله‌ای که میزس در سال ۱۹۲۰ نوشت در کتاب هایک «برنامه‌ریزی اقتصادی جمعی» از صفحه ۸۷ تا ۱۳۰ موجود است. بیش‌تر این مقاله در کتاب «اقتصادیات سوسیالیستی» اثر الک نوو ماریونوتی مجدداً چاپ شد. هادموندزورث سال ۱۹۷۲. نوشته نویرات، ماکس وبر را به نوشتن نقد مشابهی حدود همان اوقات تشویق کرد. به «تئوری تشکیلات اجتماعی و اقتصادی» (۱۹۲۱) اثر ماکس وبر صفحات ۲۰۲ تا ۲۱۸ چاپ نیویورک سال ۱۹۶۶ مراجعه کنید وبر و احتمالاً میزس تحت تاثیر شکست اقتصاد جنگی قرار گرفته بودند. (به صفحه ۲۰۹ مراجعه کنید).

۴۶- به «سوسیالیسم» اثر ال. فن. میزس مخصوصاً صفحات ۱۱۳ تا ۱۵۰ مراجعه کنید. لندن سال ۱۹۳۶. بند نقل شده از کتاب «عمل انسان» نوشته ال. فن. میزس صفحات ۶۰ تا ۷۰ و ۶۹۸ است. شیکاگو سال ۱۹۴۷. این کتاب براساس اثری که اولین بار در سال ۱۹۴۳ در سوئیس منتشر شد نوشته شده است.

۴۷- به « سوسیالیسم اروپایی » اثر کارل لندوئر جلد دوم صفحات ۱۶۴۱ تا ۱۶۵۰ برکلی سال ۱۹۵۹ مراجعه کنید. همچنین به نوشته روزنر و مردل تحت عنوان « زندگی و آثار کارل پولانی » صفحات ۵۵ و ۷۷ مونترال سال ۱۹۹۰ مراجعه شود.

۴۸- اچ. دی. دیکنسون در ژوئن سال ۱۹۳۳ در مجله اقتصادی (Economic Journal) مقاله‌ای منتشر و بدیل خود را مطرح کرد. مدل لانگه و برایت در سال ۱۹۳۵ در مجله اقتصاد ملی چاپ شد و در مقاله چیلیوسی تحت عنوان « اصل حق کار و سوسیالیسم بازار خودگردان » مورد بحث قرار گرفت. EVI فلورانس سال ۱۹۸۶. در مقاله رسمی تر لانگه تحت عنوان « پیرامون تئوری اقتصادی سوسیالیسم » در دو قسمت در مجله « بررسی مطالعات اقتصادی » جلد چهارم شماره یک و دو سال ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ منتشر شد. بعداً به صورت کتاب مجدداً چاپ شد و خلاصه آن در «اقتصادیات سوسیالیستی» اثر نوو و نوتی نوشته شد. لانگه در ضمیمه‌ای بر بخش دوم مقاله خود یادداشت‌های مارکسیستی مربوط به اقتصادیات سوسیالیسم را بررسی کرد و با دست و دل بازی از اثر کائوتسکی نقل قول آورد و همین‌طور از مقاله تروتسکی که در سال ۱۹۳۲ تحت عنوان « اقتصاد شوروی در خطر است » نوشت. اشاره اخیر او بدون شک به مقاله پیشین لرنر تحت عنوان « تئوری اقتصادی و اقتصاد سوسیالیستی » منتشره در مجله « بررسی مطالعات اقتصادی » جلد دوم شماره اول سال ۱۹۳۴ اشاره دارد. در این مقاله لرنر عقاید داب را به نقد کشیده بود. بهترین بحث مربوط به « محاسبه » که منابع مفید زیادی نیز در اختیار می‌گذارد در کتاب « رقابت و برنامه‌ریزی مرکزی » اثر دان لووا آمده است. کمبریج سال ۱۹۸۵. اما لووا همه نکات اصلی پیش‌بینی شده توسط لرنر که اطریشی‌ها می‌بایستی انجام دهند را کاملاً تایید نمی‌کند. در مورد نقد فرضیات اطریشی به کتاب « اقتصادیات و مؤسسات » اثر جی. هوجسون راجعه کنید. کمبریج سال ۱۹۸۸.

۴۹- مقاله‌ای پی‌لرنر تحت عنوان : « یادداشتی بر اقتصاد سوسیالیستی » از مجله « بررسی مطالعات اقتصادی » جلد چهارم شماره دوم صفحات ۷۲ تا ۷۶ سال ۱۹۳۶-۳۷. لرنر خود یکی از سه ناشر این مجله بود و شرکای او پل سوئیزی و اوسولا هیک بودند.



۵۰- اولین مقاله‌هایک شکل بررسی مقالات لانگه و همین‌طور مشکل «اقتصادیات سوسیالیستی» اثر دیکنسون را به خود گرفت که به صورت کتاب منتشر شد. نام این مقاله: «محاسبات سوسیالیستی: راه حل رقابتی» بود که در «Economica» صفحه ۱۴۵ سال ۱۹۴۰ آمده است. میزس هم در دهه بیست همین‌طور بحث کرده بود و به تئوری‌های «سوسیالیست بازار» که توسط کارل پولانی و ادوارد هایمن مطرح شده بود پاسخ داد. به کتاب «رقابت و برنامه‌ریزی مرکزی» اثر دان لووا صفحات ۶-۱۷۴ مراجعه کنید. کمبریج سال ۱۹۸۵.

۵۱- در این مورد هایک احتمالاً تحت تاثیر اثر آموزگار خود بوم باورک قرار گرفته است. بوم باورک در زمینه بحث این که چه نوع دانش بر سرمایه‌داری اثرگذار است، نوشته بود: «در حوزه اقتصاد که سرو کار ما عمدتاً با عمل آگاهانه و حساب‌گرانه انسان‌ها است، اولین منبع از منابع دانش یعنی منبع عینی می‌تواند در بهترین حالت بسیار ناچیز به خصوص اگر تنها در نظر گرفته شود، نامناسب‌ترین بخش دانش قابل حصول محسوب شود» «کارل مارکس و پایان سیستم او» صفحه ۱۱۵. اما بوم باورک بلافاصله می‌پذیرد که دانش و انگیزه‌های بازیگران حوزه اقتصاد در سیستم مارکس نقش معینی بازی می‌کنند. (صفحه ۱۱۶). در حقیقت از میان شباهت‌های چندی که بین مکتب مارکسیسم و مکتب اطریشی وجود دارد، یکی هم گرایش به بی‌اعتمادی به مجموعه‌های بیش از حد تعمیم یافته است که در آن مناسبات اجتماعی - اقتصادی از طریق رشته‌هایی از تساوی‌های ریاضی ارائه داده می‌شوند. مارکس در عین حال که کتاب جبر استثمار را نوشت؛ همین‌طور هم مطرح کرد که سرمایه‌داری و بازار موجب تقلیل کیفیت در برابر کمیت می‌شود. ایده‌ای که می‌تواند به خصلت دوگانه روندهای مربوط به غصب و بالا کشیدن توسط کارفرمایان پرتو افکند. در رابطه با بحث هایک مربوط به دانش، توجه داشته باشید که ابا لرنر در سال ۱۹۳۵ این بحث را به گونه ضعیف‌تری فرمول‌بندی کرده بود «در حالی که هزاران عامل به هزاران شیوه متفاوت در میلیون‌ها واحد مختلف تولیدی در هم تنیده‌اند و جابه‌جایی عوامل می‌تواند پیچیده‌ترین کار باشد، چنین به نظر می‌رسد که پیدا کردن متخصصین فنی که بدانند

همه جا چه اتفاق می افتد کار ساده‌ای نباشد.» ای. پی. لرنر « پاسخ به آقای داب» از مجله بررسی مطالعات اقتصادی، صفحه ۱۵۳ سال ۱۹۳۵.

۵۲- « کاربرد دانش در جامعه» نوشته اف. ای. فن هایک در کتاب «بررسی‌های اقتصادی آمریکایی» صفحه ۵۳۰ سال ۱۹۴۵. نوشته‌های گوناگون هایک پیرامون «بحث‌های مربوط به محاسبه» در خلال سال ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۵ در کتاب «فردگرایی و نظم اقتصادی» چاپ شده است. لندن سال ۱۹۴۸.

۵۳- از نوشته هایک: « کاربرد دانش در جامعه» صفحه ۵۳۹. هایک باید در ضمیمه‌ای که بر لانگه نوشته است، این مقاله را خوانده باشد. ما از این ضمیمه هم بخشی که در این جا به آن اشاره کردیم و هم نقل قول مطلوبی که در صفحه ۲۹ آورده‌ام را نقل کرده‌ایم. شخصیت تروتسکی به عنوان یکی از رهبران اصلی انقلاب روسیه بدون شک به طرف‌داری او از مکانیسم‌های بازار چاشنی می‌بخشد. اما شیوه تصویر مساله اقتصاد سربازخانه‌ای توسط او خدمت معنوی خود را کرد و حتی اگر او پایه‌گذار ارتش سرخ هم نبود، شیوه او نقل می‌شد. این امر این سئوال را مطرح می‌سازد که او چگونه و چرا در خصوص این مساله به این ایده‌ها رسید. غیرممکن نیست که او آثار فردریش فن ویزر را نخوانده باشد. آثار این نویسنده زمینه بحث یک اندیشه واحد را فراهم کرد. برجستگی او در دولت شوروی در دوران کمونیسم جنگی همان گونه که دویچر تأکید می‌کند، تجربه دست اولی در اختیار او گذاشت. به این نکته می‌توان افزود که زندگی روشن‌گرانه دهه بیست نشان دهنده علاقه شدید به ساختارهای پیچیده و در مورد ولوشینف و باختین به ساختار گفتاری و مکالمه‌ای بود. و بالاخره نفرت تروتسکی از پروژه‌های تمامیت‌گرا و تایید (هر چند دیر) درستی پلورالیسم سیاسی توسط او می‌بایست به ظرفیت او در جهت رخنه کردن در ریشه‌های مساله اقتصادی کمک کرده باشد.

۵۴- به کتاب « اقتصاد سیاسی و سرمایه‌داری» اثر موریس داب صفحات ۲۷۵ تا ۳۱۰ لندن سال ۱۹۷۳ و مقاله او که در « اقتصادیات سوسیالیستی» نوشته نوو و نوتی آمده مراجعه کنید. ایزرائیل کیرچنز و الین پاول در کتاب خود «سرمایه‌داری» مطرح

می‌کنند که هایک در بحث با سوسیالیست‌ها به ایده‌های جدیدی دست می‌یابد. نیویورک سال ۱۹۹۰. داب نوشته هایک تحت عنوان «برنامه‌ریزی اقتصادی جمعی» را در مجله اقتصادی در سال ۱۹۳۵ بررسی می‌کند ولی مستقیماً به مقالات اخیر او پاسخی نمی‌دهد.

۵۵- به بحث جالب نویرات که توسط خوان مارتینز آلیر در مجله « سرمایه‌داری طبیعت و جامعه» شماره دوم تابستان سال ۱۹۸۹ آمده است مراجعه کنید. نویرات مشاور اقتصادی مجله « Munich Soviet » و بعدها عضو جسته محفل اثبات‌گرایان عقل‌گرایی وین و پس از آن یکی از فیلسوفان تحلیل‌گرا بود. هم‌چنین به بحث نویرات در نوشته مارتینز آلیر تحت عنوان «اقتصادیات بوم‌مدار» اکسفورد سال ۱۹۸۹ و کتاب «سوسیالیسم اروپایی» جلد دوم صفحات ۱۶۳۶ تا ۱۶۳۹ مراجعه کنید. نظرات پولانی و نویرات همراه با این نظر آن‌ها که تقلیل‌گرایی بازار را رد می‌کردند، تأثیر معینی از طریق وایل و پولوک بر مکتب فرانکفورت گذاشت.

۵۶- در مورد ناراضی بودن هایک از بحث‌های مربوط به بوم‌شناسی و کوشش در جهت رد «تأثیرات همسایگی» به کتاب «پایه‌ریزی آزادی» صفحات ۳۶۷ تا ۳۷۵ چاپ شیکاگو سال ۱۹۶۰ مراجعه کنید. اصطلاح «تأثیرات همسایگی» به خودی خود رنگ محلی نامناسب و حالتی آرام‌بخش دارد. هایک در نوشته‌های بعدی خود از قبل «قانون، قانون‌گذاری و رهایی» محدودیت‌های شدیدی در مورد قدرت بسیار محدود دولت وقت و این که چه کسی اجازه دارد رأی بدهد و چند بار، پیش‌نهادهای ارائه داده است. همه این‌ها در خدمت حفاظت از «نظم خود به خودی» اقتصاد سیاسی از جانب احساسات کوتاه‌بین شهروندی است. برای این بحث در این باره به کتاب «پس از حقوق جدید» نوشته نیک بوزانکه صفحات ۲۶ تا ۴۲ سال ۱۹۸۳ مراجعه کنید. اما ما سوسیالیست‌ها می‌بایست در نقدهای خود از ایده اقتصاد سیاسی اطریشی ملایم برخوردار کنیم زیرا این ایده شباهت بسیار نزدیکی به ایده «تولید کنندگان که آزادانه با هم مرتبط‌اند دارد، آن‌هم در دنیایی که حکومت رو به زوال می‌گذارد.

۵۷- به کتاب « قیمت‌ها و تولید » نوشته اف. ای. فن هایک و حمله او به «پیش‌نهادات خیرخواهانه ولی خطرناک جهت مبارزه با کساد با « اندکی تورم » (صفحه ۱۲۵) مراجعه کنید. این امر را جان اشتراچی برجسته‌ترین متفکر چپ آن زمان متوجه می‌شود و در عین حال با هایک هم نظر است که اقتصاد کینزی موجب تورم غیر قابل مهار می‌شود: به اثر جان اشتراچی تحت عنوان «مبارزه آتی بر سر قدرت» سال ۱۹۳۴ مراجعه کنید. در این کتاب نقد هایک از کینز دست کم بخشاً مورد حمایت قرار می‌گیرد، لندن سال ۱۹۳۴.

۵۸- به سخن‌رانی هایک در انجمن مونت پلرین که در کتاب « فردگرایی و نظم اقتصادی » آمده و کتاب دیگر او « دانش، تکامل و جامعه » مراجعه کنید، لندن سال ۱۹۸۵.

۵۹- اثر اچ. دی. دیکنسون تحت عنوان « اقتصادیات سوسیالیسم » صفحه ۳۲ سال ۱۹۳۹ لندن. این کتاب ضمن توجه نقادانه به مصرف مطرح می‌کند که سوسیالیسم می‌بایستی برابری زنان را پیش ببرد. لحن محترمانه نقد هایک هم تمجیدی بود از کیفیت آن و هم از نفوذ وایزر به اندیشه دیکنسون. در مورد این موضوع به بررسی دیکنسون از مقاله « شرحی بر اقتصادیات سوسیالیستی » اثر ارنست مندل در مجله « نیولفت ریویو » شماره ۲۱ اکتبر سال ۱۹۶۳ مراجعه کنید. در این زمان دیکنسون جزء گروه حامیان دانشگاهی تونی بن بود.

۶۰- در مورد سرو کار داشتن دیکنسون، لرنر و دیگر « سوسیالیست‌های طرفدار بازار » که اندیشه کارگری نیز داشتند، به کتاب الیزابت دوربین «بیت المقدس‌های جدید، حزب کارگر و اقتصادیات سوسیالیسم دموکراتیک» صفحات ۱۶۹ تا ۱۷۱ و ۲۳۶ تا ۲۴۱، لندن ۱۹۸۵ مراجعه کنید. قابل توجه است بدانیم که اصلاح‌طلبی این دوره دست کم اصلاحات واقعی از قبیل خدمات درمانی ملی را دربر داشت. فرد دیگری که به «بحث محاسبه» به طور فرعی کمک کرد ای. سی. بیژو بود که در پیش‌بینی به برخورد دولت کارگری به ملی کردن در کتاب خود تحت عنوان «سوسیالیسم در مقابل سرمایه‌داری» بسیار نزدیک شد.

۶۱- «برنامه‌ریزی اقتصادی شوروی از سال ۱۹۲۷ به بعد» اثر موریس داب سال ۱۹۶۶ لندن صفحه ۳۷۳ مراجعه کنید. بر اساس رابطه ساده، می‌شد بحث کرد که با افزایش قدرت و بسط تکنیک کنترل پیچیده‌تر و استفاده از کامپیوتر، رشد اقتصادی شوروی کاهش پیدا کرد. در دهه هفتاد اطلاعات مربوط به میلیون‌ها فرآورده به کامپیوتر مرکزی داده شد و هزاران میلیون کاغذ بین وزارت‌خانه‌ها و بنگاه‌های تولیدی به گردش درآمد. با تمام این احوال، پیروزی‌های شوروی، آن‌گونه که بود، بیش‌تر مدیون انگیزه کادرهای درون کارخانه بود. این تأکید ویژه اقتصاددانان مارکسیست لهستانی بود و خود دلیل آن است که چرا د. بروس با شهامت قضاوت روزا لوگزامبورگ درباره انقلاب روسیه در اثر خود «بازار در اقتصاد سوسیالیستی» را به خوانندگان یادآوری می‌کند. لندن سال ۱۹۷۲. داب مقدمه‌ای بر چاپ انگلیسی این کتاب می‌نویسد و توجه را به این نکته اخیر جلب و از تنوع سوسیالیسم بازار دفاع می‌کند. آقای کالکی در سال ۱۹۴۲ این طور نوشت: «هیچ دولت سوسیالیستی نمی‌تواند امید موفقیت داشته باشد مگر آن که کوشش‌های خود را با احساس سرعت فزاینده رشد همراه کند و بر کل جامعه و از همه مهم‌تر بر اعتماد به نفس کارگران و لایه‌های تحتانی جامعه اثر بگذارد. چنین روحیه‌ای را نمی‌توان به گونه مصنوعی به وجود آورد. می‌توان آن را با تبلیغ برانگیخت اما فقط در صورتی که پایه‌ای واقعی برای آن موجود باشد. نقل از کتاب «مایکل کالکی» اثر بی. اوسیاتینکسکی، چاپ لندن سال ۱۹۸۸، صفحه ۱۸۴. البته ترکیبی از تصور، ترور و تبلیغ که با احساس ترس از حمله آلمانی‌ها درآمیخته باشد می‌تواند مدتی کادرها و «پیچ و مهره‌های کوچک» را به طرزی مؤثر بسیج کند، اما کالکی درست می‌گفت که چنین بسیجی را بیش از یکی دو دهه نمی‌توان حفظ کرد. کالکی خود نه تنها شرکت وسیع‌تر کارگران بل که هم‌چنین برنامه‌های مناسبی که به سرمایه‌گذاری در کالاهای مصرفی و صنایع اولویت می‌داد را پیش می‌نهاد.

۶۲- «پایه‌ریزی آزادی» نوشته هایک صفحه ۳۹۳.

۶۳- در مورد بررسی این بحث که دقیقاً به شکست ایجاد سیستم قیمت‌گذاری معقول اشاره دارد، به کتاب «گذار به اقتصاد سوسیالیستی» اثر چارلز بتلهایم صفحات ۱۸۴ تا ۲۴۳ مراجعه کنید. برایتن سال ۱۹۷۵.

۶۴- نوو تنها کسی نبود که از سوسیالیسم بازار حمایت می‌کرد و آزادانه از آثار مهم اقتصاددانان اروپای شرقی چون سیک، کورنای و بروس استفاده می‌کرد. به هر دو دلائلی که در بالا ذکر شد، اثر نوو نقش انتقادی در بحث مربوط به اقتصادیات سوسیالیستی در جهان انگلیسی زبان داشته است. به کتاب: «نظام اقتصادی شوروی» چاپ لندن سال ۱۹۷۲ و مقاله «مسائل و چشم‌اندازهای شوروی» در مجله نیولفت رویو شماره ۱۱۹ ژانویه و فوریه سال ۱۹۸۰ و کتاب «اقتصادیات سوسیالیسم قابل حصول» لندن سال ۱۹۸۳ مراجعه کنید. در خصوص مطرح شدن مجدد پاره‌ای موضوعات مربوط به «بحث محاسبات» به کتاب «برنامه و بازار» اثر میلتون فریدمن و پاسخ الکنو در کمیته مطالعات مربوط به اقتصادیات کمونیستی، لندن سال ۱۹۸۴ و یک بخش از بحث‌های مربوط به نوو به مقاله «سوسیالیسم قابل حصول و عملی؟» در مجله نیولفت رویو شماره ۱۵۳ سپتامبر و اکتبر سال ۱۹۹۵ و مقاله ارنست مندل تحت عنوان «اسطوره سوسیالیسم بازار» در همان مجله شماره ۱۶۹ ماه‌های می و ژوئن سال ۱۹۸۸ و مقاله «گذار از سرمایه‌داری واقعاً موجود» اثر مقنات دزای در همان مجله شماره ۱۷۰ ژوئیه و اوت سال ۱۹۸۸ و مقاله دیانه السون تحت عنوان «سوسیالیسم بازار یا سوسیالیزه کردن بازار» در همان مجله شماره ۱۷۲ نوامبر و دسامبر ۱۹۸۸ مراجعه کنید.

۶۵- به «مبارزه گورباچف در راه رفورم اقتصادی» اثر اندراس اسلند صفحات ۷۶ تا ۸۷ چاپ لندن سال ۱۹۸۹ مراجعه کنید.

۶۶- در دهه شصت برای وزارت تجارت شوروی در کوبا کار می‌کردم. رئیس این بخش داستانی از کنفرانس اقتصادی که توسط وزیر تجارت آن‌زمان، اسوالدو دورتیکوس تشکیل شده بود و در حوزه اقتصاد در آن زمان بدون این که بخواهد اشتباه می‌کرد. برایم نقل کرد یکی از مشاورین اقتصادی مطرح کرد که در طرح این یا آن برنامه در بخش معینی هدف می‌بایست این باشد که بیش‌ترین بازده با کم‌ترین نیرو و مخارج حاصل شود، دورتیکوس با تأکید با این قضیه مخالفت کرد و گفت: «این راه انقلابی نیست و پافشاری می‌کند که» به جای این کار هدف ما رسیدن به بیش‌ترین بازده با بیش‌ترین نیروست» متأسفانه نظر دورتیکوس یعنی روش حمله‌ای که در بسیج

اقتصاد شبیه حمله سواره نظام است، نمونه تمام و کمال مدیریت در اقتصاد کمی باشد که مثلاً نمونه‌اش را در برنامه محصول ده میلیون تنی سال ۱۹۷۰ می‌بینیم.

۶۷- در خصوص شکست مدیریت شوروی در استفاده از کامپیوتر به «مدیریت علمی، انضباط سوسیالیستی و قدرت شوروی» اثر ار. بالیسنگر صفحات ۲۴۶ و ۲۶۰ چاپ لندن سال ۱۹۸۸ مراجعه کنید.

۶۸- در خصوص شرح مفصل غیرعقلانی و «سنتی» بودن مدل شوروی به اقتصادیات سوسیالیستی، اثر ال من صفحات ۱۷ و ۵۲ مراجعه کنید.

۶۹- مقاله «برنامه‌ریزی و آگاهی در گذار به سوسیالیسم (پیرامون سیستم بودجه مالی)» از کتاب «چه‌گوارا و انقلاب کوبا: نوشته‌ها و سخنرانی‌های چه‌گوارا» ناشر دیوید دویچمن ص ص ۲۰۳ تا ۲۴۰ و ۲۲۷ و ۲۲۱ سیدنی سال ۱۹۸۷. البته چه‌گوارا طرفدار بازار باقی ماند، اما آشکارا با مسائل ناشی از برنامه‌ریزی مواجه شد. بحثی که نقل شد نشان می‌دهد که سطح مطلق قیمت‌های بازار جهانی را فقط با خطر کردن می‌توان نادیده گرفت. اما به علت جدا بودن بازارها و به این دلیل که قیمت‌های نسبی و نه مطلق‌اند که نیروی عمل‌کننده‌اند، استراتژی توسعه می‌تواند از طریق «قیمت‌گذاری که عموماً اشتباه است» عمل کند. برای نمونه به توضیح آلیس امسدن درباره نمونه کره جنوبی و مقاله «صنعتی کردن جهان سوم: فوردیسم جهانی یا مدل جدید؟» در مجله نیولفت ریویو شماره ۱۸۲ ژوئیه و اوت ۱۹۹ صفحات ۵ تا ۳۱ مراجعه کنید.

۷۰- ژاک بیده در کتاب خود تحت عنوان «نظریه تجدد، اقتباس از مارکس و بازار» در صفحات ۶۷ تا ۷۲ به این مطلب اشاره کرده است سال ۱۹۹۰. پیرامون منطق رقابت در شرایط سرمایه‌داری به مقاله روبرت برنر تحت عنوان «منشاء رشد سرمایه‌داری نقد مارکسیسم نئواسمیتی» در مجله نیولفت ریویو شماره ۱۰۴ ماه‌های ژوئیه و اوت سال ۱۹۷۷، و از همان نویسندگان درباره جی. الستر در کتاب «مارکسیسم تحلیلی» کمبریج سال ۱۹۸۷ و کتاب «رقابت و کارفرمایی» نوشته ایزرائیلی کیرچیز.

نیویورک سال ۱۹۷۳ و نوشته همان نویسنده درباره الن. اف. پال در کتاب «سرمایه‌داری» نیویورک سال ۱۹۹۰ صفحات ۱۶۵ تا ۱۸۲ مراجعه کنید.

۷۱- به مقاله دیانه السون تحت عنوان «سوسیالیسم بازار یا سوسیالیزه کردن بازار» (نیولفت ریویو) شماره ۱۷۲ ماه نوامبر و دسامبر سال ۱۹۸۸ صفحات ۳ تا ۴۴ مراجعه کنید.

۷۲- برخورد السون با کتاب پات دوین تحت عنوان «دموکراسی و برنامه‌ریزی اقتصادی» شباهت‌هایی دارد (اکسفورد سال ۱۹۸۸). در این کتاب دوین خلاصه‌ای از طرح «هم‌آهنگی پیچیده» پیرامون تولید به دست داده است. دوین می‌پذیرد که یک اقتصاد سوسیالیستی به بازار احتیاج خواهد داشت، اما نه به «نیروهای بازار». اما مسائل حادّی نیز وجود دارد که در برخورد دوین به آن‌ها پرداخته نشده است. در عین حالی که اقتصاد مدرن که شامل میلیون‌ها محصول است را می‌توان هدایت کرد، اما ضرورت «برخورد» مثبت با این اقتصاد به معنی مطالبه بیش از حد است. دوین بر ایجاد هیأت‌های مذاکره داخلی در چارچوب صنعت تأمل می‌کند، اما چه کسی تعیین می‌کند که مناسب‌ترین حلقه‌های اتصال کدامند؟ و چه کسی تضمین می‌کند که نتایج بدست آمده، اگر آزادانه و مجزا از یک‌دیگر مورد مذاکره قرار گیرد، با یک‌دیگر خوانائی دارند؟ مذاکره آن‌جا که نقطه نظرات و احتمالاً منافع متفاوتند، قیمت‌های قابل قبول توسط همه را چگونه تعیین می‌کند؟ در یک ساختار سیاسی دموکراتیک هر فرد یک رأی دارد. در ساختار بازار، توزیع منابع اقتصادی توزیع کننده قدرت نیز هست، خواه چنین توزیعی عادلانه باشد خواه به صورت دیگری، اما دست کم، تصمیمی می‌توان گرفت. اما در فرآیند همگانی مورد مذاکره اختلافات چگونه حل می‌شود؟ روشن است که کافی نیست که بنگاه‌های بزرگ بر بنگاه‌های کوچک مسلط باشند یا بنگاه‌هایی که پست‌های استراتژیک در اختیار دارند، هر کاری که می‌خواهند بکنند. در عین حال که نیروهای بازار حتی در جایی که تمرکز عظیم سرمایه وجود نداشته باشد، جایز الخطا باقی می‌مانند، یک «بازار اجتماعی شده» دست کم می‌تواند از طریق آزمون و خطا، تلاش کند به نتایجی دست یابد که به طور عام برابری طلب، مسئول و به‌گونه معقولی کارا باشند. (البته کارایی مورد نظرم در این‌جا به دلایلی که در بخش قبلی سعی کردم



توضیح دهم را نباید با کارایی سرمایه‌داری یکی گرفت) علی‌رغم تمامی این بحث‌ها کتاب دوین به گونه مؤثر به دموکراسی در اقتصاد سوسیالیستی می‌پردازد. پیش‌نهادهای او در این حوزه احتمالاً مؤثرتر خواهند بود اگر «هم‌آهنگی مورد مذاکره» را با وظائفی خارج از حد ظرفیت آن روبه‌رو نسازیم.

۷۳- در مورد سیستم «can ban» به کتاب «اطلاعات، مشوق‌ها و معامله در اقتصاد ژاپن» اثر ماهیتو آتوکی صفحه ۲۰ تا ۲۶ مراجعه کنید.

۷۴- در خصوص ایده مقایسه‌ای مربوط به بانک‌های ژاپنی و کایرتسو، نگاه کنید به صفحات ۱۱۹ تا ۱۲۲ و ۱۴۸ تا ۱۴۹ و ۲۲۲ تا ۲۳۳ همان کتاب پیشین.

۷۵- «سوسیالیسم بازار» اثر ژولیان دوگراند و ساتول استراین (اکسفورد سال ۱۹۸۹) مقاله «فایان‌های نخستین» سال ۱۹۸۶ را ارائه می‌دهد. به اثر «از مارکس تا بازار» نوشته و. بروس و کازمیر ولاسکی (سال ۱۹۸۹). صفحات ۱۰۳ و ۱۵۳ و «سوسیالیسم بازار» اثر آنتونی رویازی، انستیتوی امور اقتصادی، لندن سال ۱۹۹۰ مراجعه کنید.

۷۶- اگر انگلس در قید حیات بود چنین امتیازی را به تمسخر می‌گرفت. او پیش‌نهاد پرطمطراق دورینگ مبنی بر این که «جامعه افتخار می‌کند به این که برای توانایی حرفه‌ای عالی‌تر با اختصاص پول اضافی برای مصرف تفاوت قائل شود، را مسخره کرد، با این پاسخ تند که «آقای دورینگ نیز وقتی با درآمیختن بی‌گناهی کبوتر با تزویر عقرب، نگرانی تأثراوری نسبت به مصرف اضافی و متعادل دورینگ‌های آینده نشان می‌دهد، به خود افتخار می‌کند.» «آنتی دورینگ» صفحه ۳۵۶. به طور کلی نظرات اقتصادی انگلس بر پیش‌نهادهای دورینگ با پروژه‌های سوسیالیسم بازار رابطه معینی دارند و نباید آن‌ها را بدون تأمل کنار گذاشت، حتی اگر طرح مختصر او پیرامون بدیل کاملاً برنامه‌ریزی شده، قانع‌کننده نباشد. در مورد مسأله حقوق تفاضلی مسأله‌ای که در رابطه باید اقتصاد سوسیالیستی که کاملاً جهانی نشده پیش می‌آید، عبارت است از نیاز به مصرف کردن متخصصین از مهاجرت، این ملاحظه تجربی چیزی پیرامون